

فهرست کاتبان نسخه‌های خطی دانشگاه

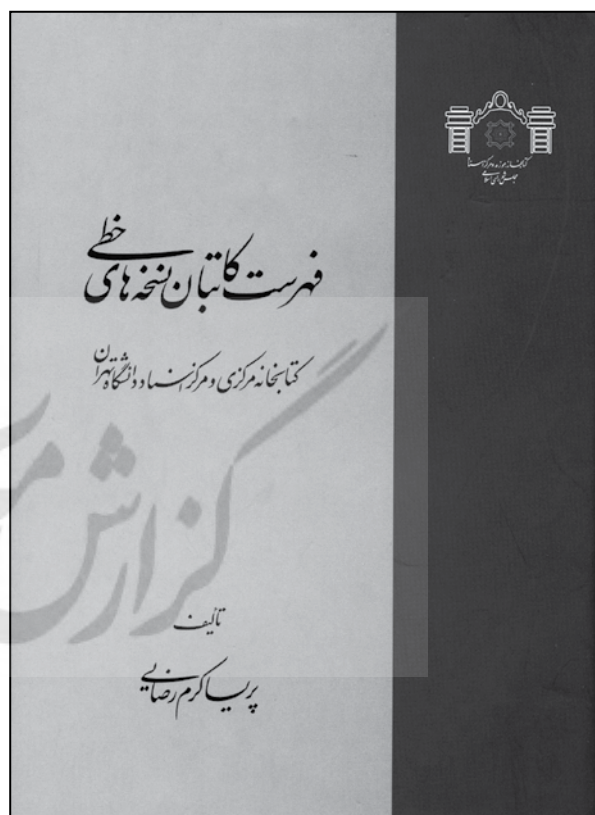
علی صفایی

فهرست‌نویسان تلاش می‌کردند تا به مهم‌ترین آگاهی‌های نسخه‌ها پردازند. از این روی، برخی اطلاعات سودمند نسخه‌ها یا در فهرست‌های پیشین ثبت نشده و یا به صورت یکجا در بخش نسخه‌شناسی درج شده است و لذا تدارک دیدن نمایه برای آگاهی‌هایی چون نام کاتبان، مهرها، نگاره‌ها و مواردی از این دست در فهرست‌های قدیمی نمود چندانی ندارد.

اما ضرورت پرداختن به این گونه آگاهی‌ها و به‌ویژه فراهم آوردن منابعی که پاسخگوی نیازهای تخصصی فهرست‌نویسان باشد موجب شد تا رفته‌رفته پژوهش‌هایی در این زمینه‌ها آغاز شده، نتایج آن‌ها در کالبد کتاب‌ها و مقاله‌های گوناگون منتشر شود.

برای نمونه، برای شناسایی نسخه‌های آثاری که نام اثر در آنها درج نشده این نیاز احساس می‌شد که عبارات‌های آغازین متون به صورت فهرستی الفبایی به دست داده شود تا با مقابله آغاز نسخه‌های ناشناخته و نسخه‌های شناخته‌شده، بتوان به شناسایی نسخه‌های مجهول پرداخت. نخستین گام را در این راه استاد احمد منزوی با انتشار «فهرست سرآغاز منظومه‌ها» در پایان جلد چهارم فهرست نسخه‌های خطی فارسی (تهران، ۱۳۵۱ش: صص ۲۳۶۱ - ۲۴۲۴) برداشتند و پس از آن شکل تکمیل‌ترشده همان کار را در آغاز مجلد نهم فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان (اسلام آباد، ۱۳۶۷ش: صص ۱۶۷۹ - ۱۹۵۹) منتشر کردند و در گفت‌وگویی که از سوی مرکز پژوهشی میراث مکتوب با ایشان انجام شد مژده دادند که صورت تکمیل‌ترشده آن کار برای فهرستواره کتاب‌های فارسی تهیه شده که به خواست خداوند منتشر خواهد شد.

پس از آن شاهد انتشار اثری به نام آغازنامه نگاشته



فهرست کاتبان نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، تألیف پریسا کرم‌رضایی، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی + کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ۱۳۹۰، سی و دو + ۸۷۳ص، وزیری، ۱۴۰۰۰ تومان.

فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی سالیانی پیش از این عمدتاً با هدف شناسایی نسخه‌های موجود از متون گوناگون و بیشتر با دیدگاه متن‌شناسانه انجام می‌گرفت. این دیدگاه در روزگار خود کاملاً توجیه‌پذیر بود چرا که نگارش و چاپ کردن فهرست با شیوه‌ها و امکانات آن روزگار بسیار دشوار بود و لذا

نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه ملی ملک است که در آغاز جلد سیزدهم مجموعه فهارس آن کتابخانه منتشر شده است (تهران، ۱۳۸۰ش: صص ۱۱ - ۱۰۳). این فهرست در دو بخش (۱) فهرست الفبایی نام کاتبان بر اساس نام زادگانی آنها، و (۲) فهرست الفبایی نام کاتبان بر پایه نسبت یا شهرت آنها، تنظیم شده است. با وجود این، ساختار آن بیشتر در قالب یک نمایه است و پرداختن به زندگی و شناسایی آثار کاتبان در آن مد نظر نبوده است.

پس از آن نیز باید از نمایه «کاتبان دستنوشته‌های ایران» یاد کرد که به‌عنوان مجلد دوازدهم از فهرستواره دستنوشته‌های ایران منتشر شد (تهران، ۱۳۸۹: در حدود ۱۱۴۱ ص). این فهرست از دیدگاه گستردگی و فراگیری کامل‌ترین فهرستی است که تاکنون در زمینه گردآوری نام کاتبان فراهم آمده و بسیار سودمند است. با این حال می‌توان گفت که این فهرست نیز ساختار نمایه‌ای دارد و شرح حال کاتبان در آن درج نشده است؛ ضمن این که برای دستیابی به آگاهی‌های بیشتر درباره نسخه‌های کتابت‌شده بر دست هر کاتب می‌بایست به صفحات گوناگونی از مجلدات ده‌گانه فهرست مراجعه کرد.

پس از فهرست‌های یادشده باید از فهرست کاتبان نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران یاد کرد که از آخرین منابع منتشرشده در این زمینه است و در اینجا به شناسایی آن خواهیم پرداخت.

اگر از نوشته ارزشمند استاد بیانی درباره خوشنویسان چشم‌پوشی کنیم، می‌توان گفت که فهرست مورد گفت‌وگوی ما تنها فهرستی است که به صورت اختصاصی برای شناسایی کاتبان و آثار آنان فراهم آمده است؛ چرا که ساختار چند فهرست پیش‌گفته عمدتاً به صورت نمایه‌ای است و پژوهشی برای شناسایی کاتبان در آن‌ها صورت نگرفته است.

فهرست مورد گفت‌وگو، چنان که از نامش پیداست، برای شناسایی کاتبان نسخه‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (۱۰۵۵ نسخه) و همچنین نسخه‌های دانشکده‌های وابسته به آن کتابخانه فراهم آمده است. نسخه‌های این مجموعه‌ها پیش از این توسط استادانی چون دکتر علی‌نقی منزوی، استاد محمدتقی دانش‌پژوه، حسن ره‌آورد و دکتر محمدباقر حجتی فهرست‌نویسی شده است اما در فهارس منتشرشده،

محمدحسین امینی بودیم (قم، ۱۳۸۵ش) که فهرستی از آغاز نسخه‌های خطی فارسی و عربی و ترکی به تفکیک هر کدام از سه زبان است. این فهرست بسیار سودمند - که با پشتیبانی کتابخانه حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی تهیه و منتشر شده - از ابزارهای مهم در کار فهرست‌نویسان در سال‌های اخیر بوده است اما چنانکه باید در جایی شناسانده نشد.

در کنار مواردی که یاد کردیم، جای خالی فهرستی از کاتبان نسخه‌های خطی همواره احساس می‌شد. یکی از مهم‌ترین و سودمندترین گام‌ها در این راه به همت زنده‌یاد دکتر مهدی بیانی با انتشار کتاب چهارجلدی احوال و آثار خوشنویسان (تهران، ۱۳۴۵-۱۳۴۸ش) برداشته شد. این فهرست برای شناساندن خوشنویسان دوره اسلامی - به‌ویژه نستعلیق‌نویسان - نگاشته شده است. اثری که با دیدی کارشناسانه و با توجه به تحوّل قلم‌های دوره اسلامی نگاشته شده و لذا ممکن است خط برخی کاتبانی که در آن شناسانده شده در نظر افراد ناآشنا با موضوع چندان چشم‌نواز نماید اما از دیدگاه تاریخ خط چنین نیست و مؤلف در کار خود به جوانب گوناگونی نظر داشته است؛ لذا این اثر از آنچه ممکن است از مفهوم «خوشنویسی» در ذهن‌ها پدید آید بسیار فراتر است. با این حال چون کتاب بیشتر به شرح احوال و آثار کاتبان خوشنویس اختصاص یافته، نمی‌توان آن را «فهرست کاتبان» به معنای دقیق دانست.

پس از آن می‌توان از راهنمای فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان به کوشش انجم حمید یاد کرد (اسلام‌آباد، ۱۳۷۷ش) که در واقع نمایه‌ای از نام کتاب‌ها و اعلام سیزده جلد فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان است. بخش دوم این فهرست به نمایه «کسان» اعم از مؤلفان، مهدی‌الیه کتاب‌ها و... اختصاص یافته است. در این میان نام کاتبان نسخه‌های معرفی‌شده در سیزده جلد یادشده به صورت یکجا همراه با دیگر نام‌ها درج شده و برای تمایز کاتبان از دیگر نام‌ها از نشانه (کا) پس از نامشان استفاده شده است. این فهرست نیز اگرچه برای شناسایی کاتبان نسخه‌های فارسی موجود در پاکستان بسیار سودمند است اما نمی‌توان آن را فهرستی ویژه کاتبان به شمار آورد.

در این زمینه شاید شاخص‌ترین کار که بتوان نام «فهرست کاتبان» را بر آن اطلاق کرد، نمایه‌ای از نام کاتبان

نمایه‌ای مستقل از نام کاتبان تدارک دیده نشده بود و کار خانم کرم‌رضایی در واقع نمایه‌ای تحقیقی درباره کاتبان آن فهراس است؛ نمایه‌ای که در آن جز ثبت نام کاتبان به آگاهی‌های سودمند دیگری نیز پرداخته شده است.

آنها که با ساختار نام اشخاص در دوره اسلامی سر و کار داشته‌اند می‌دانند که این نام‌ها گوناگونی‌های بسیاری دارد و گاهی بسیار دشوار است که بتوان اجزای نام یک شخص را به دقت و خالی از زواید تشخیص داد. این دشواری موجب شده است که گاهی نام یک نفر در منابع گوناگون به شکل‌های مختلفی ضبط شود. از مهم‌ترین ویژگی‌های فهرست مانحن‌فیه این است که نام هر کاتب در آن هم به شکل اصلی آن — چنان که در نسخه یا فهرست درج شده — و هم به شکل‌های دیگری که می‌تواند در یافتن نام یک شخص یاری‌رسان باشد به دست داده شده است. برای این کار با توجه به ساختاری که نام هر کاتب دارد جزئی از نام وی — که عمدتاً نسبت‌های جایگاهی، پیشه‌ای، فرقه‌ای و یا تخلص سراینده‌گان است — به عنوان مدخل اصلی برگزیده شده و از شکل‌های دیگر همان نام به مدخل اصلی ارجاع داده شده است. مؤلف شیوه کار در این مرحله را در مقدمه توضیح داده است.

مینای کار مؤلف در تدوین این اثر، فهرست‌های منتشرشده توسط استادان پیشین بوده اما در صورت نیاز به اصل نسخه‌ها نیز از نو نگریسته شده است.

در ذیل هر مدخل اصلی نخست شماره نسخه / نسخه‌ها، نام اثر، نوع قلم (نسخ، نستعلیق و...)، تاریخ کتابت نسخه یا تاریخ تقریبی آن و همچنین شماره مجلد و صفحه فهرستی که نسخه در آنجا شناسایی شده درج شده است. پس از آن، در صورتی که آگاهی‌هایی درباره زندگی کاتب به دست بوده، در قالب یک زندگی‌نامه مختصر همراه با یادکرد منابع زندگی‌نامه کاتب ارائه شده است. این بخش از سودمندترین ویژگی‌های

اثر مورد گفت‌وگو است.

در بخش سپسین نیز اگر نسخه‌های دیگری از کاتب در کتابخانه‌های دیگر — عمدتاً ایران — موجود بوده، مشخصات و نشانی آن نسخه‌ها درج شده است. از این دیدگاه، گستره فهرست کنونی از محدوده کاتبان نسخه‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران فراتر رفته است.

در پایان نیز نمایه‌های سودمندی بدین‌قرار به دست داده شده است: ۱. فهرست الفبایی نام کاتبان (بر پایه نام، نام پدر، نام نیاگان، کنیه و لقب) ۲. فهرست راهنمای نام کسان و کتابخانه‌هایی که نسخه برای آن‌ها نوشته شده ۳. فهرست راهنمای محل کتابت (به ترتیب شهرها و در ذیل هر شهر به ترتیب مدرسه، خانقاه و...) ۴. فهرست راهنمای تاریخ کتابت نسخه‌ها.

گفتنی دیگر این که برخی ارزشمندی‌های نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجب شده تا فهرست کاتبان این مجموعه از دیدگاه‌های دیگری نیز سودمند باشد. برای نمونه مجموعه اهدایی سید محمد مشکوة به دانشگاه دارای دستنویس‌هایی ویژه مانند دستنویس‌های اصل از آثار دانشمندان شیعی است و این امر موجب شده تا بخشی از دستنویس‌های دانشمندان شیعی به پژوهشگران شناسانده شود.

این فهرست با همکاری کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و کتابخانه مجلس منتشر شده است و نشانه‌ای نیک از همکاری دو کتابخانه بزرگ ایران است. گفتنی دیگر اینکه در آغاز کتاب، یادداشتی از استاد زنده‌یاد ایرج افشار با عنوان «آفرین‌نامه» درج شده که ایشان در ضمن شناساندن ویژگی‌های اثر مورد گفت‌وگو به ستایش و تأیید کار مؤلف پرداخته‌اند.